



پوشیدن لباس هایی خاص برای انجام یک نمایش قرون وسطایی در استرالیا، عکس از یا هو



دنیانه روایت تصویر

آیات نور

۴ رمز موفقیت و سعادت

حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر آیه ۵۹ و ۶۰ سوره عنکبوت با این مضمون که: «مؤمنان صالح کسانی هستند که در برابر مشکلات، صبر و استقامت کرده و بر پروردگارشان توکل می کنند و چه بسا جنبیده ای که نمی تواند روزی خود را تأمین کند، خداست که به او و به شما روزی می دهد و اوست شنوای دانا.» نکاتی را مطرح کرده اند که می خوانید:

۱- صبر و توکل، دو نمونه روشن از عمل صالح است. ۲- ربوبیت خداوند، زمینه توکل بر اوست. ۳- فشارهای روحی و مشکلات زندگی از موانع راه نیکوکاران است که باید با صبر و توکل آن ها را بر طرف کرد. ۴- رمز موفقیت و سعادت در چهار چیز است: الف: ایمان و انگیزه. ب: کار و کوشش. ج: استمرار و استقامت. د: توکل بر خدا، در برابر وسوسه ها و نگرانی ها. ۵- توکل بر خداوند، باید همراه با به کارگیری تمام توان و استقامت درونی باشد. ۶- برای تقویت ایمان و توکل بر خداوند، به الطاف الهی درباره موجودات دیگر توجه کنیم. ۷- برای خداوند، رزق دادن به جنبیده های ناتوان و انسان های سالم و کاردان، یکسان است. ۸- علم و آگاهی خداوند ضامن تأمین روزی موجودات است.

حکایت مذهبی

نعمت باقی!

یکی از همسران پیامبر (ص) می گوید: زمانی گوسفندی سر بردیم و آن را در میان افراد فقیر و مستمند تقسیم کردیم. به رسول خدا(ص) عرض کردم که تمام گوشت گوسفند را میان نیازمندان قسمت کرده ام و جز یک دست حیوان چیزی باقی نمانده است. رسول خدا(ص) فرمودند: خیر! باید بگویی جز یک دست گوسفند، همه اش باقی است! چون در پیشگاه خداوند تماشای باقی و محفوظ است جز همان یک دست که هنوز پیش توست و به مصرف نیازمندان نرسیده است! برگرفته از کتاب شیرین تر از عسل، اثر محمد علی دهقانی

یادش بخیر



داستانک

شوخی رئیس با کارمند!

در پایان مصاحبه شغلی برای استخدام در شرکتی، مدیر منابع انسانی شرکت از مهندس جوان صفر کیلومترشتر پرسید: «برای شروع کار، حقوق مورد انتظار شما چقدر است ؟» مهندس گفت: «حدود ۷۵ هزار دلار در سال، بسته به این که چه مزایایی داده شود.» مدیر منابع انسانی گفت: «خب، نظر شما درباره پنج هفته تعطیلی ۱۴ روز تعطیلی با حقوق، بیمه کامل در مانی و حقوق بازنشستگی ویژه و خودروی شیک و مدل بالای در اختیار خودتان چیست؟». مهندس جوان از جا پرید و با تعجب پرسید: «شوخی می کنید؟» مدیر منابع انسانی گفت: «بله، اما اول تو شروع کردی.» سایت مدیریار

کاریکلماتور

- دندان پزشک هم نمی تواند دندان طمع آدم ها را بکشد!
- از سینما فقط یک نما مانده است.
- بانک ها روی پول مردم حساب باز کرده اند.
- کولر، آب و برق را به «باد» می دهد.
- ماهی در اقیانوس و دریا آیدیده می شود!
- بی هیچ عملی پولدار شد، بعد از پولدار شدن عملی شد!

رضا وارسته

فتونکته

آغاز هر کاری مهم ترین قسمت آن کار است



انکب صبر

از سلام تا خدا حافظ!

سلام خدا حافظ!
چیز تازه ای اگر یافید بر این دو اضافه کنید

حسین پناهی

دور دنیا

نجات معجزه آسا از جنگل!



آدیتی سنترال/ «لیزا تریس»، دختر ۲۵ ساله دانشجوی رادیولوژی پس از آن که خودش را از جنگل دو مردی که او را ربوده بودند، نجات داد به جنگل آلاباما پناه برد اما فکرش را نمی کرد که جان سالم به بردن از این جنگل چقدر سخت است! بعد از دو هفته از گم شدن این دختر، در حالی که همه گمان می کردند او در جنگل مرده است، زنی او را کنار جاده پیدا کرد. تمام بدن لیزا از نیش حشرات و خراش جانوران زخمی شده بود و او در تمام این مدت از آب گل آلود و توت فرنگی وحشی تغذیه کرده بود.

نوشتن اعداد از یک تا بی نهایت!



آدیتی سنترال/ «رومن اوپلکا»، هنرمند لهستانی، نصف سال های زندگی اش را مشغول نوشتن اعداد از یک تا بی نهایت بوده است! او که همچنان به نوشتن و شمارش اعداد ادامه می دهد، از سال ۱۹۶۵ این کار را شروع کرده است و هر روز ۴۰۰ عدد جدید را اضافه می کند. «رومن» هم اکنون به عدد پنج میلیون و ۶۰۷ هزار و ۲۴۹ رسیده است. او می گوید این یک پروژه فلسفی برای نشان دادن گذر زمان و عمر است و این کار را تا لحظه مرگش ادامه خواهد داد!

مردی که با بدن نیمه فلج، جاده ساخت!



آدیتی سنترال/ در یک داستان عجیب و غریب و باور نکردنی مرد نیمه فلج هندی، با یک دست و یک پای از کار افتاده به مدت سه سال و به تنهایی جاده ای را از بین کوه ها حفر کرد تا بتواند هزینه های امرار معاش خانواده اش را تأمین کند! این مرد ۶۳

ساله در حالی که به سختی می تواند دستانش را تکان دهد تنها با استفاده از چکش، توانست در مدت سه سال جاده ای بی نقص بسازد. با تمام شدن ساخت این جاده حالا او تبدیل به قهرمان ملی کشورش شده است.

سگ هایی به رنگ آبی!



آدیتی سنترال/ شاید باور نکردنی به نظر برسد اما تعداد زیادی سگ آبی رنگ که به تازگی در هند دیده شده اند، واقعا آبی رنگ هستند و کسی آن ها را رنگ نکرده است! این سگ ها که به شدت آلوده هستند به دلیل پر سه زدن در زباله های صنعتی کارخانه ها و تغذیه از آن ها به این رنگ در آمده اند. دولت هند در صدد است این سگ ها را که منتقل کننده بیماری و ویروس هستند به سرعت از بین ببرد.

بریده ها

سخت باوری والدین!

برای پدر و مادرها سخت است باور کنند بچه هایشان یک روز آن قدر بزرگ می شوند که دیگر کاری به پدر و مادر ندارند. برای بچه ها هم سخت است باور کنند پدر و مادرشان یک روزی بچه بوده اند و مثل آن ها توئی کوچو و محله آتش می سوزانند. سخت است باور کنند آن ها هم یک روز دل شان جایلی لرزیده و عاشق شده اند.

برگرفته از کتاب «زمان زوال»، شهره حدیث



همه اش فکر می کنم تو بپخال یک چیزی هست که باید بخور مش ولی نمی دونم چیه؟! روی در مغازه اش زده بود «با لیخند وارد شوید»، با لیخند وارد شدم، قیمت ها ش رو که دیدم با گریه خارج شدم!

«شما هم تا می خواهید استیکر مد نظرتون رو پیدا کنید، بحث گروه عوض می شه؟! یک روز وسایل هواشناسی می خرم، هوای همه روز ها رو بهاری پیش بینی می کنم. به امید روزی که دانشمندا کشف کنند مسواک و نخ دندان برای سلامت، مفرو و برای دندان زیان آور است!

«چرا فستجون داریم ولی قرمه سبزی جون نداریم؟

«دو تا برنج هندی تو بشقایم پیدا کردم چسبیده بودن به هم، فکر کنم داداش بودن، همدیگه رو پیدا کردند!

«نوجوان که بدویم بزرگ ترها از دواج می کردن، حالا که بزرگ شدیم کوچک ترها از دواج می کنن!

«وضعیت جو ری شده که بستی رو می ذاری تو فریزر، بعدش باید جلوی بپخال نگوپانی بدی کسی تره سراغش!

«چند زوره از بی خوابی رنج می کشم تا این که امروز شروع کردم به درس خوندن!

«یعنی ما گیگی سه تومن حجم می خریم که شما عکس پروفایل تلگرامت رو بذاری بونه کلم بروکلی؟ این درسته؟!»

«توی فیلم های ایرانی هر کی با حواس پرتی از خیابون رد می شه، یکر اننده سرش رو در میاره بیرون و میگه: «هووی عاشقیا!!!»

«شما بیا نصف قالب پنیر رو بذار تو یک تیکه نون سنگک. به همون برکت، مزه نون سنگک بیشتر حس میشه.

Like Comment

این کیه؟

مردی که خواب بود!



سلام. چهره پازل شده مسابقه این هفته، بازیگر و داوری بود که آرامش اش در تمام زمان اجرای برنامه، خاصی و حتی عجیب به نظر می رسید و گاهی روی اعصاب هم می رفت. برنامه ای که تماشش شور و هیجان بود و چنین برخوردهای سردی در آن، کمتر انتظار می رفت. شاید به همین دلیل بود که یکی از مخاطبان پیامک زد: «پاسخ مسابقه فردی است که مدام در خندونه خواب بود!»، «حسن معجونی» که یکی از داورهای برنامه خندانه شو بود، پاسخ مسابقه این هفته بود که ۲۵۲ شرکت کننده مسابقه به درستی پاسخ را برای ما ارسال کرده بودند. برنده مسابقه این هفته مان هم، طبق قرعه کشی آقای «علی شاهرخی» هستند که به امید خدا، عکس و کاریکاتورشان چهارشنبه همین هفته و همراه با مسابقه بعدی چاپ خواهد شد. تا چهارشنبه...

خودمونی

بفرمایید صندلی جلو لطفا!

احساس می کنم تاکسی ها یک جور سنسوری دارد که تشخیص می دهد من چه زمانی می رسم سرخط تا درست چند لحظه قبلش پر شود و برود! خب این ماجرا یک عیب بزرگ دارد یعنی دیر رسیدن و معطل شدن برای ا بر شدن تاکسی بعدی. یک حسن هم دارد که به خاطر این ماجرا همیشه صندلی جلو نصب من می شود و تا مقصد لازم نیست هی برای ورود و خروج بقیه مسافران جایه جا بشوم. ولی بعضی وقت ها این جلو نشستن آغشته به یک آزمون بزرگ می شود. به طور مثال همان طور که نشسته ام و منتظرم تاکسی پر شود یک فرد مُسن با عصا از راه می رسد. طبیعتا نشستن روی صندلی عقب تاکسی برای چنین کسی سخت تر است. اما به طور معمول در چنین شرایطی صبر می کنم تا خود طرف بخواند. قبول دارم، مقدار کمی این بخش ماجرا کم لطفی است چون شاید کسی نخواهد چنین درخواستی را مطرح کند. اما بعضی وقت ها بدون طرح درخواست آماده ام صندلی جلور ا در اختیار شخص دیگری بگذارم و بروم عقب بنشینم. منظورم وقت هایی است که صندلی عقب دو نفر مرد نشسته اند و یک خانم از راه می رسد. این جا دیگر درنگ جایز نیست. خیلی وقت ها شده خودرویی که من درون آن نشستم عقب یک نفر جای خالی داشته، اما خانمی از راه رسیده و رفته صندلی جلوی تاکسی عطلی بعدی نشسته. خب به کجای عالم برمی خورد اگر من یک زحمت کوچکی به خودم بدهم و بروم عقب تا هم کار آن بنده خدا راه بیفتد و هم تاکسی زودتر راه بیفتد؟ سید مصطفی صابری



هروقت چیز مفتی دیدیم، شک نکنیم که... >>



دیروز نامه

گیمم آو طلاق

در خبرها خواندیم در یکی از روستاهای رومانی اتاقی به نام «طلاق آشتی» وجود داشته و زوج هایی که قصد طلاق داشتند باید مدتی در آن با یک صندلی و یک قاشق زندگی می کردند که با این روش در طول ۳۰۰ سال تنها یک طلاق در این روستا ثبت شد. روش خوبی است ولی به درد همان رومانی می خورد. تصور کنید در ایران این اتاق ها وجود داشت. بعد از یک عمر یا یک ماه، بستگی به جنبه و آستانه تحمل زوج دارد، زن و شوهر به این جایشان می رسد و تصمیم می گیرند طلاق بگیرند. بزرگان دو خانواده جلسه می گذارند که دو نفر باید یک هفته در این اتاق زندگی کنند تا فکر طلاق از سرشان بیفتد. شوهر راضی می شود ولی زن زیر بار نمی رود و می گوید حاضر است با اژدهای «دنیس تارگرین» توی غار بروم، ولی با این مردی که چشمش به دهان خواهرش است، هرگز! زن را راضی می کنند که چشم هایش را ببندد و داخل غار شود، که مرد می گوید اژدها آن مادر زنش است که روزی ۳۳ بار از طریق تماس تلفنی، ارسال پیامک، پیغام صوتی تلگرام و حضوری به زندگی شان آتش می افکند. بزرگان قوم با ناز و نوازش مرد را راضی می کنند که خودش را «جان اسنو» تصور کند و برود با این اژدها دست و پنجه نرم کند. هر دو راضی و چشم بسته داخل اتاق می شوند. نوبت زندگی با یک صندلی و قاشق می رسد. مرد می خواهد روی صندلی بنشیند که زن از زیرش می کشد و زن می خواهد طلاق بگیرند، مرد یادش می آید که باید ۱۳۷۰ سکه را دو دستی تقدیم عیال کند و زن هم خبردار می شود که از فردا در خانه پدرش بدون مودم وای فای خبری از استوری های اینستاگرام پشت فرمان همسرجان نیست. در این لحظه معجزه عشق رخ می دهد و هر دو از طلاق پشیمان شده و دست در دست هم به کلیه عشق شان باز می گردند و بزرگان قوم هم انگشت به دهان، مثل «وایت واکرها» یخ می زنند! علیرضا کاردار

لجمون در میاد



ایده و اجرا: صابری و مرادی

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

- لطفا یک روز مطالب صفحه اول را به فضا و موجودات فرازمینی اختصاص دهید.
- عکس صندلی در شبکه های اجتماعی خیلی رمانتیک بود! آدم دلش نمیاد روش بشینه! علیمپور، مشهد
- آقای حکاک، کاش یادداشت تون برسه به دست همه اون هایی که ازشون طلبکارم. خیلی نیست ولی روم نمی شه پس بگیرم ازشون و اون ها هم به روشن نیامان. طلبکار خجالتی بزرگ ترین نیروی جهان رو ما بچه های مشهد باید در پارک ملت درست می کردیم!
- اگر خریداری برای صفحات زندگی سلام وجود دارد، من آرشویی از آن را از اولین شماره و در واقع ۹۰ درصد آن را دارم و با پولش می خواهم کتاب بخرم. عاشق کتاب
- باورش سخته، فتم داروخونه ۲۷۰۰ تومان دارو گرفتم، کارت کشیدم، چسب زخم داد، نگاه کردم دوه دوه ۳۰ هزار ریال!
- دختر عزیزم، زینب جان تولدت رو تبریک میگم. امیدوارم عمر با عزت داشته باشی. علیجانعی، مشهد
- پاسخ خفن استرپ شماره قبیل: گودال- میناب- کاربری